

بهزاد حمیدیه

نقد امامت پژوهی [دکتر محسن] کدیور (بخش شانزدهم)

به اهتمام

جمعی از دانشجویان دانشکده فنی

دانشگاه تهران

info@toraath.com

نقد امامت‌پژوهی [دکتر محسن] کدیور (بخش شانزدهم)

بهزاد حمیدیه، روزنامه‌ی رسالت شماره ۶۰۶۲، سه‌شنبه ۱۶ دی ۸۵

نقد مقاله‌ی «قرائت فراموش شده»: بازخوانی نظریه‌ی «علمای ابرار»، تلقی اولی اسلام شیعی از اصل «امامت»، فصلنامه مدرسه، سال اول، شماره سوم، اردیبهشت ۸۵

دومین عالمی که جناب دکتر محسن کدیور، او را از قائلین به نظریه‌ی «علمای ابرار» معرفی می‌کند، ابن جنید اسکافی است.

دو- ابن جنید اسکافی: ابوعلی محمد بن احمد کاتب مشهور به ابن جنید اسکافی (متوفی قبل از ۳۷۷) جناب دکتر محسن کدیور، ابن جنید را عالمی دگراندیش و مورد انتقاد شیخ صدوق، شیخ مفید و سید مرتضی معرفی می‌کند. «دگراندیشی» به گزارش آقای کدیور، در دو رأی مبنایی ابن جنید یکی در اصول فقه و دیگری در اصول اعتقادات است: باور به قیاس در فقه و دیدگاه خاص او درباره‌ی علم ائمه. دیدگاه خاص ابن جنید درباره‌ی ائمه علیهم‌السلام را جناب محسن کدیور، از دو موضوع استنباط می‌نماید. دو مورد مزبور عبارتند از:

۱- «ابن جنید در «المسائل المصریة»، اختلاف اخبار وارده از ائمه را به قائل شدن ائمه به رأی نسبت داده است». این مطلب را آقای دکتر محسن کدیور از مجموعه مصنفات شیخ مفید، ج ۷ (المسائل السرویة)، صص ۷۶-۷۴ نقل نموده‌اند.

۲- ابن جنید در یک مسأله‌ی فقهی چنین نظر می‌دهد که حاکم مجاز نیست به علم خود در حقوق و حدود عمل کند زیرا میان علم پیامبر به چیزی و علم جانشینان و حکامش تفاوت است، «خداوند در میان مؤمنان حقوقی را در ارث و ازدواج و خوردن ذبائح واجب کرده و این حقوق را در بین کفار و مرتد‌ها باطل کرده است. خداوند پیامبرش را از آنان که در دل، کافرنده و به ظاهر اظهار اسلام می‌کنند مطلع ساخته اما احوال این منافقان را برای همه‌ی مؤمنان آشکار نساخته است تا از ازدواج با ایشان و

خوردن ذبیحه‌هایشان امتناع کنند. [پس علم پیامبر با علم ائمه و حکام به لحاظ منشأ و در نتیجه در آثار فقهی تفاوت دارد]. (به نقل از الانتصار سید مرتضی (صص ۲۴۳-۲۳۶))

آقای کدیور از دو موضع فوق‌الذکر، چند نتیجه می‌گیرد:

۱- ابن جنید، گفتار ائمه را «رأی» ایشان دانسته است و «رأی یا نظر یا اجتهاد و استنباط، امری کسبی است و در شیوه‌ی متعارف کسب علم بشری، احتمال وقوع خطا منتفی نیست ... براساس نسبت شیخ مفید، ابن جنید اختلاف روایات ائمه را ناشی از قول ایشان به رأی دانسته. به دیگر سخن (براساس این انتساب) ابن جنید به عصمت و علم لدنی ائمه باور ندارد و ایشان را علمای ابرار می‌دانسته است.

۲- ابن جنید میان علم پیامبر و علم دیگر مؤمنان از جمله ائمه فرق می‌گذارد، زیرا پیامبر از برخی بواطن و غیوب به اذن‌الله آگاه است. یعنی ابن جنید «علم لدنی ائمه را باور ندارد.»

۳- ابن جنید، رویکرد بشری به امامت داشته و به شئون فرابشری ائمه باور نداشته است، «یعنی براساس مبنای کلامی ابن جنید، «گفتار ائمه، آرای ایشان است». اوصافی از قبیل علم لدنی و بالاختصاص، عصمت لازمه‌ی امامت شیعی در قرن چهارم نبوده است.»

۴- «رویکرد بشری به امامت بر مبنای کلام «گفتار ائمه، رأی ایشان است» و لوازم اعتقادی آن یعنی عدم باور به عصمت و علم لدنی به عنوان لوازم امامت شیعی در قرن چهارم، چندان متعارف بوده است که معتقد به آن نه تنها تقبیح و متهم به ارتداد مذهبی نمی‌شده، بلکه به عنوان یکی از بزرگترین علمای تشیع دوران خود دارای شأن و منزلت دینی و فرهنگی و اجتماعی نیز بوده است. گرچه چند دهه بعد مورد انتقاد علمی دیگر عالمان شیعه واقع شده است.»

نقد:

شهرت قول ابن جنید به قیاس، امری مفروغ عنه است و بحثی در آن نیست. اما در مورد تصویری که ابن جنید از ائمه در ذهن دارد جناب دکتر کدیور تنها دو موضع را مورد استناد قرار داده‌اند زیرا ظاهراً تا آنجا که اینجانب تفحص کردم، موضع دیگری که بتوان از آن نظر ابن جنید درباره‌ی مسأله‌ی مورد

بررسی را به دست آورد وجود ندارد. اما در مورد همین دو موضع مورد استناد جناب دکتر کدیور نیز تردیدات جدی وجود دارد.

درباره‌ی موضع اول که جناب دکتر کدیور آن را از کتاب المسائل السروية شیخ مفید نقل نمودند، در معجم رجال الحديث مرحوم آیت‌الله العظمی خوئی (ج ۱۵، ص ۳۳۷) آمده است: «اقول: ان نسبة هذا الكتاب الى الشيخ المفيد (قدس سره)، لم تثبت و لم يذكر النجاشي و الشيخ له كتاباً يسمى بالمسائل السروية. نعم ذكر النجاشي له كتاباً و هو النقض على ابن الجنيد في اجتهاد الرأي، و لكن لم يعلم أن المراد به ماذا، فلعل المراد، النقض على قول ابن الجنيد بالإجتهاد بالرأي، أي بجواز العمل بالظن و مما يؤكد عدم صحة هذه النسبة انها لو صحت لذكرها النجاشي و الشيخ، فإن ما نسب اليه أعظم من قوله بالقياس، فكيف لم يطلع على ذلك النجاشي و الشيخ و هما تلميذان للمفيد (قدس سره).

یعنی نسبت این کتاب به شیخ مفید ثابت نشده است و نجاشی و شیخ طوسی کتابی به نام المسائل السروية برای شیخ مفید ذکر نکرده‌اند. بلی نجاشی کتابی برای شیخ مفید ذکر کرده است با عنوان نقض نظر ابن جنید در مورد اجتهاد رأی. ولی معلوم نیست که مقصود از این عنوان چیست. شاید مقصود، نقض قول ابن جنید به اجتهاد با رأی یعنی جواز عمل کردن به ظن و گمان باشد و از اموری که عدم صحت این نسبت [یعنی نسبت این نظریه به ابن جنید که ائمه از طریق رأی و اجتهاد، فتوا می‌داده‌اند] را تقویت می‌کند آن است که اگر چنین نسبتی صحیح بود، نجاشی و شیخ طوسی آن را در احوالات ابن جنید ذکر می‌کردند، چرا که این نسبت مطلبی مهم‌تر و عظیم‌تر از مسأله‌ی قائل شدن ابن جنید به قیاس است و چگونه ممکن است که نجاشی و شیخ با آنکه شاگرد شیخ مفید بوده‌اند بر این امر مطلع نشده باشند؟!

در شماره‌ی بعد به نقد موضع دوم خواهیم پرداخت.